



۱۹ آبان ۱۳۶۸ - ۱۵ نوامبر ۱۹۸۹

شماره ۲۴۲
بولتن
حزب
کردستان

حزب دموکرات کردستان ایران
نمادگی خارج از کشور

گلچینی از عملیات پیشمرگان حزب

- نفوذ پیشمرگان به داخل شهرهای : سردشت و پیرانشهر
 - عملیات پیشمرگان قهرمان حزب در مناطق مختلف کردستان
 - کنگره آمریکا و حقوق بشر در کردستان ...
 - مقاله‌ای از کردستان: (نگاهی به رویدادهای کشورهای سوسیالیستی)
 - بازتاب کنفرانس بین المللی پاریس در کیهان هوایی
- رژیم آخوندی .



آمریکا :

ظهر روز ۲۴ اکتبر سال ۱۹۸۹ بمدت یک ساعت و نیم جلسهای از طرف گنجره آمریکا جهت بحث پیرامون حقوق بشر در کردستان تشکیل شد . در این نشست ویژه چندین مهمان از کشورهای دیگر از جمله خانم دانیل میتران و آقای کنندال نزان ، مسئول اشتیاقی کرد در پاریس نیز شرکت داشتند . در این جلسه مسئله حقوق بشر در کردستان مورد بحث قرار گرفت و عدهای از شرکت کنندگان در این زمینه مطالبی بیان داشتند ، از جمله :

- ۱- خانم دانیل میتران
 - ۲- سناتور ادوارد کندی
 - ۳- سناتور توم لانتوس
 - ۴- سناتور جون پورتر
- و چند شخصیت دیگر .

در پایان ، گنجره آمریکا آمادگی خود را برای بحث بیشتر و کمک به حفظ حقوق بشر در کردستان اعلام نمود .

کمیته حزب در منطقه سپی سنگ :

روز ۶۸/۷/۹ ، شماری از پیشمرگان نیروی قندیل بخشی از جاده پیرانشهر - سردشت را به کنترل خود در آوردند و ضمن بازدید بمشاز جهل اتومبیل مسافربری ، سربازی را بنام شهرام حامدی ، از گروهان زرهی هنگ اکبری دستگیر و پس از روشنگریهای لازم پیرامون سیاستهای ضد ایرانی و ضد انسانی رژیم آخوندی ، وی را آزاد نمودند . نیروهای رژیم که از حضور پیشمرگان اطلاع یافته بودند ، منطقه را با سلاحهای سنگین گلوله باران نمودند که خوشبختانه تلفاتی بهمراه نداشت .

سردشت :

در ساعت ۷/۵ بعد از ظهر روز ۶۸/۶/۱۵ ، جمعی از پیشمرگان نیروی گیارنگ ، پس از نفوذ بداخل شهر سردشت ، خود را در چهار دسته سازمان دادند . سپس ، ضمن بکنترل درآوردن خیابان کمربندی ، چهار راه فرمانداری و شهرداری و اطراف شهر بانی و محله شیخ مولا در ساعت ۸/۵ بطور همزمان و هماهنگ ، مرکز اطلاعات سپاه پاسداران ، شهرداری ، شهربانی و پادگان جنداله این شهر را با سلاحهای خود مورد حمله قرار دادند ، آتش شدید و غافلگیرکننده پیشمرگان تا مدتی چند توان هر مقاومتی را از نیروهای رژیم سلب کرد . پیشمرگان بمدت نیم ساعت مراکز یادشده را با سلاحهای خود گلوله باران نمودند . اهالی شهر که از حضور پیشمرگان اطلاع حاصل کرده بودند ، بطور یک پارچه از خانه های خود بیرون آمده و درب خانه های خود را به روی پیشمرگان باز نمودند . گروهی از پیشمرگان با دادن شعارهای انقلابی به پخش اعلامیه و تراکتهای حزبی در میان مردم پرداختند . استقبال



مردم از پیشمرگان بحدی غرور آفرین و هیجان انگیز بود که گویی لحظه پیروزی فرا رسیده و سایه ظلم و دیکتاتوری رژیم آخوندی از سرشان باز شده بود. سپس پیشمرگان با دادن شعارهای انقلابی از قبیل: قاسلو، قاسلو راهت ادامه دارد، ما شاگردان مکتب قاسلو هستیم، در میان شور و شوق مردم در ساعت ۹/۵ شب سالم از شهر خارج شدند. طبق گزارشات واسطه، در جریان حمله، پیشمرگان به مراکز یاد شده، حادقل ۸ نفر از افراد رژیم کشته و ۵ نفر از آنان زخمی شده‌اند.

اشنویه:

روز ۶۸/۸/۱۳، شماری از پیشمرگان نیروی کله‌شین برای انجام پاره‌ای از ماموریت‌های حزبی بداخل شهرک "دزه" واقع در منطقه "مرگور"، نفوذ کردند. نیروهای رژیم که از حضور پیشمرگان اطلاع حاصل می‌کنند، با نیروی زیادی این شهرک را به محاصره خود درمیاورند و سپس در تمامی معابر مستقر می‌شوند. پیشمرگان که از چنین وضعیتی مطلع می‌شوند، خود را سازمان داده و برای جلوگیری از کشته شدن اهالی بی دفاع، تصمیم می‌گیرند حلقه محاصره را بشکنند و برای دفاع خود را بخارج شهر برسانند. در نتیجه پس از ۲ ساعت نبرد حماسی، موفق می‌شوند حلقه محاصره نیروهای رژیم را شکسته و خود را به باغهای اطراف شهرک برسانند. در اینجا، پیشمرگان ضمن سازماندهی لازم، به مقابله با نیروهای رژیم برمی‌خیزند و پس از نبردی سنگین، این قسمت از اطراف شهرک را نیز از لوث وجود نیروهای رژیم پاکسازی می‌کنند. مزدوران آخوندی که یارای هر گونه پیشروی را از دست داده بودند، با سلاحهای سنگین خود، اقدام به گلوله باران سنگر پیشمرگان نمودند.

در این درگیری که منجر به کشته و زخمی شدن، دهها نفر از افراد رژیم گردید، متأسفانه ۶ نفر از پیشمرگان نیروی کله‌شین به شهادت رسیده و جان خود را نثار راه آزادی خلق خود نمودند. اسامی شهدای زنده یاد این نبرد عبارتند از:

- ۱- محمد اسریسی
- ۲- سعید سهراسی
- ۳- بایزید بایزیدی
- ۴- سلیمان احسانی
- ۵- بایزید رمضانی
- ۶- جعفر شهواری

لازم به یادآوری است که رفقا: محمد اسریسی و سعید سهراسی در حالی که زخمی بودند، با سارت نیروهای رژیم درآمدند، ولی مزدوران رژیم، این دشمنان قسم خورده خلق کرد، به شیوه همیشگی و برخلاف تمام موازین بشری، این فرزندان برومند خلق را بلافاصله تیر باران می‌کنند.

یاد این شهیدان بخون خفته گرامی و راهشان - راه دمکراسی و آزادی و خودمختاری پیروز باد!

پیشمرگان پس از این نبرد خونین و حماسی، با استفاده از تاکتیک‌های...



کمیته حزب در منطقه سپی سنگ :

در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر روز ۶۸/۷/۱۴، شماری از پیشمرگان نیروی قندیا، بداخل شهر پیرانشهر نفوذ کرده و در سه گروه خود را سازمان دادند، سپس هر گروه خود را سه محله‌های از قبل تعیین شده که عبارت بودند از: چهارراه جمهوری اسلامی، خیابان خمینی و اطراف مرکز کمیته انقلاب، رسانیدند. ابتدا یک دستگاه اتومبیل لندکروز اطلاعات سپاه پاسداران پیرانشهر را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه یکی از سرنشینان آن شدت زخمی شد، دسته دیگر، در خیابان خمینی یک دستگاه خودروی حامل افراد دژبان ژاندارمری را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه خودرو از کار افتاده و دو نفر از سرنشینان آن کشته شدند.

دسته سوم که در اطراف اداره اطلاعات سپاه پاسداران مستقر بودند، یک دستگاه خودرو حامل افراد مسلح رژیم را بکمین انداختند و بسوی آن آتش گشودند. که در نتیجه آن خودرو نیز مبتلائی و تمام سرنشینان آن کشته و با زخمی شدند. شایان ذکر است که این عملیات در حالی انجام گرفت که اهالی شهر هنوز از سر کار به خانه‌های خود باز نگشته بودند و نظاره‌گر عملیات دلیرانه پیشمرگان بودند.

پیشمرگان پس از انجام این عملیات شروع به پخش اعلامیه و تراکتهای حزب نمودند و سپس در ساعت ۹ شب در میان شور و شوق مردم، همگی سالم از شهر خارج شدند.

رابط :

در ساعت ۸ بعد از ظهر روز ۶۸/۷/۱۵، دسته‌ای از پیشمرگان نیروی زمیران هنگام عبور از ارتفاعات اطراف سردشت، متوجه کمینی از طرف نیروهای مسلح رژیم میگرددند. دلیران دمکرات ضمن سازماندهی لازم، در یک حمله غافلگیر کننده، دو نفر از مزدوران را به هلاکت میرسانند و بقیه را نیز وادار به فرار می‌نمایند. سپس، پیشمرگان، همگی سالم محل درگیری را ترک و به گشت خود در منطقه ادامه می‌دهند.

نیروهای رژیم که بارای مقابله با فرزندان دمکرات را نداشتند، طبق عادت همیشگی، از راه دور محل درگیری را گلوله باران نمودند، که خوشبختانه تلفاتی بهمراه نداشت. اسامی کشته شدگان رژیم بقرار زیر است :

۱- داود باباحسینی، فرزند حاجی اسداله، اهل قس، جمعی گروه ضربت سردشت از گردان جواد

- ۲- عباس نشاطیان، فرزند حسین، اهل تهران،
ضمناً غنایم زیر نیز بدست پیشمرگان افتاد :
- ۱- تفنگ کلاشینکف ۱ قبضه با مهمات سازمانی
۲- بی‌کی سی " " " "



اورامانات :

در تاریخ ۶۸/۷/۱۹، پیشمرگان نیروی شاهو در جریان گشت سیاسی- نظامی خود در مسیر جاده پاوه به روستای هیرو بکمین افراد مسلح رژیم نشستند و سرانجام در ساعت ۷/۵ بعد از ظهر یک دستگاه خودروی تویوتای حامل افراد مسلح رژیم را به کمین انداختند و بسوی آن آتش گشودند که در نتیجه خودرو مذکور متلاشی و کلیه سرنشینان آن کشته و با زخمی شدند. بمنظور جلوگیری از تلفات احتمالی به دستور فرمانده عملیات از شناسایی کشته شدگان خودداری بعمل آمد. پیشمرگان پس از انجام این عملیات همگی سالم به گشت خود در منطقه ادامه دادند.

کمیته‌های حزب در منطقه شمال کردستان و اشنویه :

در ساعت ۸/۵ بعد از ظهر روز ۶۸/۷/۱۹، دسته‌ای از پیشمرگان نیروی آگری از کمیته حزب در شمال کردستان، با دسته‌ای از پیشمرگان نیروی کله‌شین، از کمیته اشنویه، بسوی طبق یک طرح عملیاتی مشترک پایگاه‌های افراد رژیم مستقر در روستاهای " کلاسه و سفالدین" را مورد حمله قرار داده و بمدت یک ساعت آنها را گلوله باران نمودند که در نتیجه قسمتهای اعظم این دو پایگاه ویران و متحمل خسارات فراوانی گردید. طبق گزارشات واصله، ۱۱ نفر از افراد رژیم مستقر در این دو پایگاه به هلاکت رسیدند. پیشمرگان که پس از انجام این عملیات به سوی محله‌های از قبل تعیین شده در حرکت بودند، در مسیر خود با کمین نیروهای رژیم برخورد نمودند. قهرمانان دمکرات طی حرکتی سریع خود را سازمان داده و به مقابله پرداختند و در مدتی کمتر از ۱۵ دقیقه توانستند، ضمن در هم شکستن کمین دشمن، ۳ نفر از مزدوران را بهلاکت رسانده و بقیه را نیز متواری سازند. جد ۲ نفر از کشته شدگان دشمن بدست پیشمرگان افتاد که بدلیل نداشتن کارت شناسائی، هویت آنان مشخص نگردید. در این دو درگیری هیچ آسیبی به پیشمرگان نرسید.



پیشمرگ بازوی توانای خلق است



بین المللی شدن مسئله کرد و مرثیه خوانی رژیم آخوندی

برگزاری کنفرانس بین المللی پاریس در مورد کردها (۱۴ و ۱۵ اکتبر) ، قرار
برگزاری کنفرانس بین المللی دیگری در همین زمینه در سال ۱۹۹۰ در سوئد، و نیز
نشست ویژه‌ای در کنگره آمریکا جهت بحث پیرامون حقوق بشر در کردستان (۲۴ اکتبر ۱۹۸۹)،
همه دشمنان رنگارنگ خلق کرد را به سوز و گداز وا داشته است، بطوریکه هر یک به نحوی
تلخ کامی خود را بروز داده و میدهند، در این میان، مرثیه خوانی و تلخ کامی سرداران
رژیم جمهوری اسلامی شایان توجه بیشتری است. آنچه که در زیر می‌خوانید بخش‌هایی از دو
عنوان میباشد که بهمین مناسبت در شماره چهارشنبه ۱۷ آبانماه ۱۳۶۸ کیهان هوائی بجا
رسیده است.

دولت‌های غربی پس از سال‌ها سکوت تبلیغات جهت‌دار به سود گروه‌های کرد را آغاز کردند

بلکه گروه‌های سیاسی شاید بتواند چند
صباحی از این مساله منتفع شوند.

پیرامون نفس حقوق بشر در کردستان
مطالبی عنوان کردند.

کنگره آمریکا پس از بحث در پیرامون
حقوق بشر در کردستان و لزوم حفظ آن
امادگی خود را برای بحث و مساعدت
بیشتر در این زمینه اعلام داشت.

مخالف سیاسی حرکت جدید
دولت‌های غربی در حمایت از کردها را
اقدامی علیه دولت ایران توصیف کردند و
اعلام داشتند که علیرغم سکوت مولانای
این دولت‌ها در فعال‌حیایات منشور رژیم
صدام علیه کردها، حرکت جدید جر بک
باری تبلیغاتی مناسبی دیگر نمی‌یابد.
در همین حال رادیو موسوم به صدای
کردستان مدعی شد: تشکیل جلسه
کنگره آمریکا در پیرامون حقوق بشر در
کردستان قدم دیگری برای شناساندن
مساله کرد به جهانیان است.

با توجه به این مطلب سلسله اقدامات
دولت‌های غرب چون آمریکا، فرانسه و
انگلیس در حمایت از متلا حقوق بشر
کردها نوظئه جدیدی به شمار می‌رود که
اگر چه سیر از آن سهرامی خواهد سرد

نهران- سرویس خبر کیهان هوائی- ۱۲
آبان- ۸ نوامبر- در ادامه مسوج
حمایت‌های تبلیغاتی غرب از کردها،
کنگره آمریکا (دوم آبان ماه) پس از
یک و نیم ساعت بحث در پیرامون
حقوق بشر در کردستان، امادگی
خود را برای مساعدت بیشتر در این
زمینه اعلام کرد.

رادیو صد انقلاب به اصطلاح دمکرات
با اعلام این خبر گفت: در جلسه کنگره
آمریکا همچنین «دانیل میتران» رئیس
بیاد فرانس لیبرته و هنسر رئیس
جمهوری فرانسه در جمع سناتور ها و
نمایندگان احزاب جمهورخواه و دمکرات
آمریکا درباره حقوق بشر در کردستان
سخنرانی کرد.

بر اساس همین گزارش در این حده
که «کنگال نزان» مسئول انجمنو کرد در
پاریس نیز شرکت داشت، چندین سناتور
کنگره از جمله ادوارد کندی، نولان نور
و جان پورتر مسئولان کمیته حقوق بشر
کنگره آمریکا از دو حزب آمریکا، در

... و امروز در پاریس دانیل میتران رئیس
فرانس میتران رئیس جمهور فرانسه کنگره
و هویت فرهنگی و حقوق
بشر به بر پا می‌کند تا به بازایی
حقوق بشر در کردستان و لزوم حفظ آن
و امروز در استکهلم و کنگره اس
بر پا می‌شود تا حیات از دست
امروز از ستهائی می‌شود و با کندی
آن دیدار و این امروز با کندی
دیدار و خود شلشد بودهایم
بارمان نمی‌گنجد.



نگاهی به رویدادهای کشورهای سوسیالیستی :

چند سالی است که در کشورهای سوسیالیستی تحولاتی پا به عرصه ظهور نهاده است که هر سال رشد بیشتری می‌یابد. اگر تا ۱۵ سال پیش، صحبت تنها از بحران در کشورهای سرمایه‌داری بود، و این ساله بعنوان یک اصطلاح پذیرفته شده بود که کشورهای سوسیالیستی دچار بحران خواهند گردید. اما آنچه که امروز در این کشورها به چشم می‌خورد به آسانی می‌تواند بحران نامیده شود. منظور این نیست آنچه را که در کشورهای سوسیالیستی روی میدهد درست به معنای آن چیزی که بحران اقتصادی در سرمایه‌داری نامیده میشود قلمداد نمائیم. زیرا به دلایل زیادی که از حوصله این بحث خارج است رخ دادن بحرانی از آن دست در بلوک سوسیالیستی اگر نه غیر ممکن، حداقل بعید بنظر میرسد. لیکن بجزای می‌توان گفت بحرانی که اکنون کشورهای سوسیالیستی با آن درگیر هستند بسی خطرناکتر از بحران اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری است و اگر راه چاره درسته، اصولی و شجاعانه‌ای برای آن یافت نشود موجودیت و بقای سوسیالیسم را مورد تهدید قرار خواهد داد.

تا اواخر سالهای ۷۰ آنچنان پرده تاریکی بر واقعیات کشورهای سوسیالیستی کشیده شده بود که دنیای خارج مشکل می‌توانست از رخدادهای درونی آن جوامع بشری چیزی بفهمد و از سوی دیگر سازمانهای چپ کمونیستی کشورهای غیر سوسیالیستی با تبلیغات وسیع و پر دامنه خود پانورامای (دورنمای) بهشت موعود جامعه سوسیالیستی را طوری در پیش چشمان نسل جوان ترسیم کرده بودند، که کمتر به اندیشه‌ها خلور میکرد که در کشورهای سوسیالیستی کمبود و نقایصی در زمینه‌های زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و ملی وجود داشته باشد.

بهمین خاطر هنگامیکه طی سالهای ۶۸-۱۹۶۷ تلاش در راه ایجاد دگرگونی در سیستم اداره جامعه سوسیالیستی چکواکی توسط دو بچه و همفکرانش به منصفه ظهور رسید و نهایتاً با پیاده شدن ارتش شوروی در آن کشور سرکوب گردید، اکثریت قریب به اتفاق احزاب و سازمانهای سیاسی کشورهای جهان سوم به ویژه سازمانهای چپ مارکسیستی تلاش مزبور را جنبشی ارتجاعی و ساخته و پرداخته امپریالیسم قلمداد کرده و دخالت ارتش شوروی در امور چکواکی را وظیفه‌ای انترناسیونالیستی نام نهادند. در آغاز دهه ۱۹۸۰ نیز هنگامیکه جنبش مستقل همبستگی کارگران در کشور سوسیالیستی لهستان، صدای اعتراض خود را نسبت به سیستم اداره کشور بلند نمود، باز هم حرکت بیش از ۹ میلیون تن کارگران آن کشور که بخش کثیری از آنان اعضای حزب کمونیست بودند، دسیسه امپریالیسم و ارتجاع قلمداد شد و از سوی اکثر سازمانهای چپ مارکسیستی کشورهای غیر سوسیالیستی محکوم گردید.

اما ناراضی عمومی توده‌های مردم که دست کم در بخشی از کشورهای سوسیالیستی وجود داشت، بسی وسیعتر و نیرومندتر از آن بود که بتوان برای همیشه بر آن سرپوش نهاد. اندک اندک معلوم شد که " سوسیالیسم موجود " آن جامعه بدون تلاش و ایده‌آلی نیست که سازمانهای چپ مارکسیستی در آن تصور کرده‌اند.



جسمان مبارزان راه آزادی ترسیم کرده‌اند. معلوم گردید که آنچه " دیکتاتوری پرولتاریا " نامیده می‌شد، نه تنها آنگونه که احزاب کمونیستی ادعا میکردند، جای خود را به دموکراسی خلق نداده است، بلکه همچون زنجیری بر دست و پای توده‌های مردم سنگینی می‌کرده و مانع سیر رشد استعدادها و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی شده است.

خوشبختانه کشور بزرگ شوراهای (اتحاد شوروی)، همچنانکه در استقرار سیستم سوسیالیستی پیشاهنگ بود، در شکستن تابوی بهیم و کاستی این سیستم اقتصادی - سیاسی نیز پیشقدم شد. رهبر شجاع و کاردان فعلی حزب کمونیست و دولت شوروی میخائیل سرگیویچ گورباچوف همینکه در اولین و بزرگترین کشور سوسیالیستی قدرت را بدست گرفت، بر ضرورت بازنگری دکم‌ها اصرار نمود و از کمبودهایی که کشورهای سوسیالیستی تحت عنوان دفاع از سوسیالیزم و از طریق اعمال " دیکتاتوری پرولتاریا " به آن دچار شده‌اند پرده برداشت.

گورباچوف با شهادت کم نظیری با مخالفان سرسخت اصلاحات در جامعه شوروی به مقابله برخاست و با صراحت اعلام نمود که نبود دموکراسی و آزادی سیاسی بزرگترین عامل همه گرفتاریها و معضلات اقتصادی و اجتماعی شوروی است و در نتیجه دو ترم معروف خود یعنی " گلاسنوست " یا علنیت و " پریسترویکا " یا بازسازی را مطرح نمود. بوحسود آمدن فضای باز سیاسی (علنیت) بتدریج نشان داد که کشور بزرگ شوروی پس از گذشت ۷۰ سال از استقرار سوسیالیزم با چه متکلات و کمبودهای اقتصادی و اجتماعی عظیمی روبروست و چه نارضایتی عمیقی نسبت به سیستم اداره کشور در حلقوم توده‌های مردم خفه شده است.

اگر چه رهبر جدید شوروی بنا به خصلت دیدگاههای دموکراتیک، خود از اعمال تحکم بر دیگر کشورهای سوسیالیستی خودداری نموده و در هر فرصتی اعلام داشته است که هر یک از کشورهای مزبور مستقلا در امور مربوط به خود تصمیم می‌گیرند، اما طبیعی بود که تحولاتی این چنین چشمگیر در اتحاد شوروی بر دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز تاثیر بگذارد. بهمین دلیل تحولات بوحسود آمده در شوروی، بتدریج در دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز منعکس گردید. کما اینکه این تحولات بر روابط بین‌المللی نیز تاثیر نهاده است که بحث در باره آنها از حوصله این مقاله خارج است.

به منظور احتراز از اطاله کلام از بحث در باره تغییراتی که طی سالهای چهار سال گذشته به شیوه‌ای تدریجی اما مداوم در کشورهای سوسیالیستی روی داده است، خود داری می‌نمائیم و تنها بطور خلاصه به بحث در باره بخشی از رویدادهایی می‌پردازیم که از آغاز ماه سپتامبر ۱۹۸۹ در سه کشور سوسیالیستی لهستان، مجارستان و آلمان دموکراتیک به شیوه‌ای برجسته و چشمگیر و سریع خودنمایی کرده است، آنگاه به نتیجه‌گیری از موضوع می‌پردازیم.

در لهستان، جنبشی که تا چند سال پیش از این در سایه دیکتاتوری و خفقان دسیسه امپریالیسم جهانی قلمداد می‌شد، همینکه فرصت یافت آزاد به ایراز عقاید و نقطه نظرات خود بپردازد، به مثابه بزرگترین نیروی اجتماعی در آن کشور خودنمایی کرد و و با رای آزاد اکثریت مطلق نمایندگان مردم قدرت را به دست گرفت. در نتیجه همچنانکه آگاهیم پس از گذشت چهار دهه از استقرار سوسیالیزم در لهستان حکومتی



نمود، یک حکومت اشتراکی که فقط چند وزیر کمونیست در آن وجود دارند. در آلمان دمکراتیک، همینکه حکومت موافقت کرد کسانیکه در محارستان و چکسلواکی به سفارتخانه‌های آلمان غربی پناهنده شده‌اند، خاک آن کشور را به قصد آلمان غربی ترک کنند، طی چند روز - روزهای اول اکتبر حدود ۱۰ هزار تن از اتباع جمهوری دمکراتیک آلمان به آلمان غربی پناهنده شدند.

مهاجرت آلمانیها آنقدر توسعه یافت که حکومت بناچار آزادی مسافرت به کشورهای سوسیالیستی را که یگانه امکان سفر اتباع آلمان شرقی به خارج بود لغو کرد. پرسش بجایی که در اینجا مطرح میشود اینست که چگونه است پس از گذشت چهل سال از تقسیم آلمان و استقرار سوسیالیزم در بخش شرقی آن، مردم از دست حاکمیت سرمایه داری در آلمان فدرال به بخش شرقی آلمان نمی‌گریزند، اما هزاران و دهها هزار تن در سایه حکومت کارگری منتظر کسب فرصتی هستند تا از آنجا گریخته و خود را به جامعه ظلم و استبداد و استثمار و نابرابری برسانند ؟

در کشور مجارستان روز ۱۵ آبانماه کنکروه حزب کارگران سوسیالیست با اکثریت بیش از ۸۵٪ آراء تصمیم گرفت این حزب را منحل نموده و حزب جدیدی به نام حزب سوسیالیست محارستان به سبک احزاب سوسیالیست و سوسیال-دمکرات کشورهای اروپای غربی تاسیس نماید. اینکه در محارستان و لهستان که ظاهراً قدرت از دست کمونیستها بیرون آمده و حکومت‌های غیر کمونیستی در آنها بر پا گردیده است، سیستم سوسیالیستی جای خود را به سیستم سرمایه داری داده است یا خیر ؟ همچنین اینکه حکومت‌های غیر کمونیستی تا چه حد شانس موفقیت و حل گرفتاریهای این دو کشور را دارند به عوامل مختلفی بستگی دارد و مسئله‌ای است که باید در آینده به آن پاسخ داده شود. اما مسئله اساسی در اینجا این است که آیا شکستی که پس از چهل سال حاکمیت سوسیالیستی نصیب کمونیست‌های کشورهای مزبور گردیده، یا گرفتاریهایی که در اکثر کشورهای سوسیالیستی گریبانگیر توده‌های مردم شده و اکنون بتدریج از پرده برون می‌افتند، از جوهر و ماهیت سیستم سوسیالیستی سرچشمه می‌گیرد یا در واقع محصول انحراف از اصول سوسیالیستی و تحمیل یک دیکتاتوری فردی از نسوع دیکتاتوری استالینی بر هر یک از کشورهای سوسیالیستی است ؟

به اعتقاد ما سوسیالیزم بعنوان یک نظام انسانی که بر اساس منافع و مصالح دمکرات‌ترین طبقات و اقشار جامعه پایه‌گذاری شده است، به هیچوجه حقانیت خود را از دست نداده و اگر به هوا و هوس فردی و حفظ منافع شخصی آلوده نگردد، قادر است همه مشکلات جامعه را حل کند و برتری خود بر سیستم سرمایه داری را به اثبات برساند. آنچه کسب کشورهای سوسیالیستی و کلاً سوسیالیزم را به چنین بحرانی دچار نموده، تهی نمودن سوسیالیزم از ماهیت انسانی خود به عنوان سیستمی است که در آن دمکراسی در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحقق می‌یابد.

اوضاع کشورهای سوسیالیستی و بویژه رخدادهای چند سال اخیر در شوروی و بسیاری دیگر از کشورهای بلوک شرق نشان داد اگر یک وقت توده‌های کارگران و دهقانان و زحمتکشان از نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی به ستوه آمده بودند و جهت‌رهایی از آن نابرابریها انقلاب سوسیالیستی را بر پا داشتند همان توده‌ها اکنون از دست نابرابریهای



رویدادها نشان میدهد که اگر در یک مرحله، مشخص تاریخی نبود برابری اقتصادی و اجتماعی، سیستم سرمایه‌داری را در هم مجاله کرده، امروز نبود آزادی سیاسی بقای نظام سوسیالیستی در کشورهای سوسیالیستی را در معرض تهدید قرار داده است. با درک درست چنین واقعیتی است که رهبری جدید شوروی بمنظور امحای دیکتاتوری و جایگزینی دموکراسی آستین همت را بالا زده و قصد دارد فرصت و امکانات مناسب برای مشارکت هر چه بیشتر توده‌های مردم در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و کلاً اداره، جامعه بوجود آورد و بدین ترتیب چهره، گیراتر و انسانی‌تر از سیستم سوسیالیستی در معرض دید افکار عمومی جهان قرار دهد. به عبارت دیگر رهبری فعلی شوروی نیک میدانند که انسان نه با داشتن آزادی بدون نان قادر به ادامه، حیات است و نه به داشتن نان بدون آزادی قناعت می‌ورزد و چنین زندگی‌ای را بعنوان یک زندگی در خور انسان قبول دارد. میخائیل گورباچف تا کنون چندین بار ضمن پافشاری بر برنامه، اصلاحات خود اعلام داشته که آنچه وی می‌خواهد در جامعه، شوروی استقرار یابد، بازگشت به سرمایه داری نیست، سوسیالیزم در جای خود و نیرومندتر از گذشته باقی خواهد ماند و آنچه او انجام میدهد عبارت است از زمینه‌سازی برای مشارکت و همکاری همه، مردم کشور و بکار گیری همه، توانایی‌ها و استعدادها در امر پیشبرد سوسیالیزم، یعنی در واقع راهی است برای نجات سوسیالیزم.

لب‌کلام اینکه اگر رهبران کشورهای سوسیالیستی با شهادت‌نامه‌های خود را مورد ارزیابی مجدد و بازنگری قرار ندهند و راه را برای اصلاحات عمیق سیاسی و اجتماعی هموار ننمایند عملاً بقاء و پیشرفت سوسیالیزم را در کشور خود و در سطح جهانی به خطر خواهند افکند. اما اگر شهادت‌چنین کاری را داشته باشند و یا حداقل جای خود را به رهبران جوان‌تری که توانایی انجام چنین وظیفه‌ای را در خود سراغ دارند، واگذار نمایند، بدون شک سوسیالیزم قادر است بر همه، موانع و مشکلات فعلی کشورهای سوسیالیستی غلبه کند و اعتبار و احترام گذشته، خود را در سطح جهانی باز یابد.

در خاتمه، این مقال بحاست به دو پدیده، جالب‌توجه و در عین حال متضاد اشاره‌ای داشته باشیم. حزب دمکرات کردستان ایران به رهبری معلم کبیر، شهید " دکتر عبدالرحمن قاسملو " چند سال پیش از این و حتی چند سال قبل از به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف در شوروی، با شهادت کمبودها و نقایص (سوسیالیزم موجود) را تشخیص داده، دیکتاتوری فردی در کشورهای سوسیالیستی را که تحت عنوان دیکتاتوری پرولتاریا اعمال می‌شده، مردود شمرده و " سوسیالیزم دمکراتیک " را به عنوان راه نجات سوسیالیزم و برپایی جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و انسانیت به همگان نشان داده است (به جزوه، " بحثی کوتاه در باره، سوسیالیزم " و نیز " تحزیه و تحلیل بحثی کوتاه " از نشریات کمیسیون تبلیغات حزب دمکرات کردستان ایران نگریسته شود).

از سوی دیگر بخش‌کثیری از سازمان‌های چپ مارکسیستی ایران پس از آنهمه تحارب و بعد از مطرح شدن " گلاسنوست و پروسترویکا " در شوروی و پس از آنکه کشورهای سوسیالیستی هر کدام پس از دهها سال اعمال " دیکتاتوری پرولتاریا " به غلط بودن آن خط مشی پی برده‌اند (گو اینکه عده‌ای از آنها تا کنون رسماً به آن اعتراف نکرده‌اند)،



بهترین الگو برای خود برمی‌گزینند و تماویر او را در قسمت بالایی دفاتر خود آویزان می‌کنند. بیهوده نیست که گفته‌اند :

هرکه ناموخت از گذشت روزگار هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار.

اورامانات :

گروهی از پیشمرگان نیروی شاهو که به سمت منطقه "ثلاث باو حانی" در حال حرکت بودند، در تاریخ ۶۸/۷/۳، در یکی از ارتفاعات منطقه بنام " میرکه " توسط دیدبانان خود اطلاع یافتند که نیروهای رژیم بسمت آنها در حال حرکت هستند، پیشمرگان خود را سازمان داده و به کمین نیروهای رژیم نشستند و در ساعت ۳ بعد از ظهر با نیروهای رژیم درگیر شدند. ولی نیروهای رژیم که بارای مقاومت نداشتند، پس از تحمل تلفاتی محبور به عقب‌نشینی گردیدند. در این عملیات جسد مزدوری بنام ولی عزیز فرزند کاله، جمعی گردان امیرالمؤمنین بدست پیشمرگان افتاد و ۲ جاش دیگر به اسامی زیر دستگیر گردیدند :

۱- عزیز محمدی فرزند کاک خانی، جمعی گردان امیرالمؤمنین از سپاه پاسداران
کردن غرب

۲- علی مراد پیری فرزند عزیز " " "

غنایم بدست آمده توسط پیشمرگان عبارتند از :

۱- تفنگ کلاشینکف ۳ قبضه

۲- خناب ۱۵ عدد

۳- دوربین یک دستگاه

پیش بسوی تشکیل جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی



بیتکوین با زوی توانای خلق است

راهپیمای کردستان ایران
 همه روزه : ۹ دوزش کردی و فارسی
 سوم گونا، و دیدن های :
۴۱,۴۹,۷۵ متر
 برنامه : این برنامه ۱۲۰ الی ۲ بعد از ظهر
 این برنامه ۸۰ الی ۹۰
 برنامه : هر روز بعد از ساعت ۱۲ الی
 ۷۲

کمیته های مالی خود را به حساب بانک
 زیر وارساز :
C.C.P. PARIS 68040 M 020
FRANCE
 و همیشه با تنگی آن راه این آدرس بدست شما میاید :
A.F.K. B.P. 102 , 75623 PARIS
CEDEX 13 FRANCE